

لیست افعال جداشدنی در زبان آلمانی



اگه مدتی زبان آلمانی می‌خونی، احتمالاً با یه چیز عجیب برخورد کردی: بعضی از افعال آلمانی وسط جمله نصف می‌شن و تیکه‌ی آخرش می‌ره آخر جمله! 😊 مثلاً می‌گی:

.Ich stehe um 7 Uhr auf

(من ساعت ۷ بیدار می‌شم.)

اینجا فعل aufstehen به معنی "بیدار شدن" هست، اما توی جمله تیکه‌ی auf جدا شده و رفته آخر. به این نوع فعل‌ها می‌گن افعال جداشدنی (trennbare Verben).

با خوندن این مقاله می‌تونی کامل با این نوع فعل‌ها آشنا بشی و یاد بگیری! پس بزن بریم! 📖

لیست پرکاربردترین افعال جداشدنی در زبان آلمانی

معنی جمله	مثال	معنی فارسی	تلفظ فارسی	فعل جادشدنی
من ساعت ۷ بیدار می‌شوم.	.Ich stehe um 7 Uhr auf	بیدار شدن	آوفاشتین	aufstehen
من چراغ را روشن می‌کنم.	.Ich mache das Licht an	روشن کردن	آن‌ماخِن	anmachen
من تلویزیون را خاموش می‌کنم.	.Ich mache den Fernseher aus	خاموش کردن	آوس‌ماخِن	ausmachen
او در را باز می‌کند.	.Er macht die Tür auf	باز کردن	آوفا‌ماخِن	aufmachen
او پنجره را می‌بندد.	.Sie macht das Fenster zu	بستن	تسوماخِن	zumachen
من به مادرم زنگ می‌زنم.	.Ich rufe meine Mutter an	تلفن زدن	آن‌روِفِن	anrufen
ما از سوپرمارکت خرید می‌کنیم.	.Wir kaufen im Supermarkt ein	خرید کردن	آین‌کائِفن	einkaufen
من شب‌ها تلویزیون نگاه می‌کنم.	.Ich sehe abends fern	تلویزیون دیدن	فِرِن‌زَان	fernsehen
با من می‌ای؟	?Kommst du mit	همراه آمدن	میت‌کومِن	mitkommen
من چترم را با خودم می‌برم.	.Ich nehme meinen Regenschirm mit	با خود بردن	میت‌نِمن	mitnehmen
لطفاً بس کن!	!Hör bitte auf	متوقف شدن / تمام کردن	آو‌فهوِرِن	aufhören
من سوار اتوبوس می‌شوم.	.Ich steige in den Bus ein	سوار شدن	آین‌شتایگِن	einsteigen
من ایستگاه بعدی پیاده می‌شوم.	.Ich steige an der nächsten Station aus	پیاده شدن	آوس‌شتایگِن	aussteigen
کی برمی‌گردی؟	?Wann kommst du zurück	برگشتن	تسوریک‌کومِن	zurückkommen
کی شروع می‌شه؟	?Wann geht's los	شروع شدن	لوس‌گِان	losgehen
خوب مواظب باش!	!Pass gut auf	مراقب بودن	آوفا‌پاسِن	aufpassen
من غذا را آماده می‌کنم.	.Ich bereite das Essen vor	آماده کردن	فُرب‌رایِتِن	vorbereiten
من تو را به مهمانی‌ام دعوت می‌کنم.	.Ich lade dich zu meiner Party ein	دعوت کردن	آین‌لادِن	einladen
کامپیوتر را خاموش کن.	.Schalte den Computer ab	خاموش کردن (دستگاه)	آپ‌شالتِن	abschalten
من شلوار را پرو می‌کنم.	.Ich probiere die Hose an	پرو کردن (لباس)	آن‌پروبیِرِن	anprobieren

من اتاقم را مرتب می‌کنم.	Ich räume mein Zimmer auf.	مرتب کردن	آفریمن	aufräumen
من کتاب را با صدای بلند می‌خوانم.	Ich lese das Buch vor.	با صدای بلند خواندن	فرلین	vorlesen
من الان می‌روم.	Ich gehe jetzt weg.	رفتن / ترک کردن	وگ‌ان	weggehen
من کتاب را پس می‌دهم.	Ich gebe das Buch zurück.	پس دادن	تسوریک‌گین	zurückgeben

این نکات مهم رو برای اینکه بهتر یاد بگیری یادت باشه:

- فلش‌کارت درست کن. افعال جداشدنی رو با معنی و یه جمله مثال بنویس و هر روز مرور کن.
- من خودم از فلش‌کارت های اپلیکیشن aNKi استفاده می‌کنم و خیلی راضی ام.
- سعی کن هر روز چندتا جمله با افعال جداشدنی بسازی.
- پادکست‌ها یا ویدیوهای آلمانی گوش بده و ببین چطور از این افعال استفاده می‌کنن.
- اگه پیشوند رو جدا نکنی یا جای اشتباه بذاری، جمله‌ت ممکنه معنی نده یا غیرطبیعی بشه.

افعال جداشدنی چی هستن و چطور تشخیصون بدیم؟

افعال جداشدنی در آلمانی، افعالی هستن که از دو بخش تشکیل شدن:

1. پیشوند (Präfix)

2. فعل اصلی (Verb)

این پیشوند معمولاً یه کلمه کوتاه مثل "auf"، "aus"، "an" یا "ab" هست که به فعل می‌چسبه و معنی اون رو تغییر می‌ده. وقتی از این افعال تو جمله استفاده می‌کنی، بسته به ساختار جمله، پیشوند ممکنه از فعل جدا بشه و بره یه جای دیگه تو جمله.

مثلاً:

معنی	فعل جداشدنی	پیشوند	فعل پایه
بیدار شدن	aufstehen	auf	stehen
بستن	zumachen	zu	machen
برگشتن	zurückkommen	zurück	kommen

مثلاً به این مورد دقت کن:

anrufen (تماس گرفتن) از دو بخش تشکیل شده: an (پیشوند) + rufen (صدا کردن).

وقتی می‌خواهی بگی «من به تو زنگ می‌زنم»، می‌گی:
Ich rufe dich an.

می‌بینی؟ فعل rufe (شکل صرف‌شده‌ی rufen) وسط جمله‌ست و پیشوند an رفته آخر جمله.

چطور تشخیص بدم به فعل جداشدنی؟

یه راه ساده اینه که ببینی فعل به پیشوند داره که تو حالت عادی معنی خاصی به فعل اضافه می‌کنه.
مثلاً:

- kommen (یه فعل معمولیه) (اومدن)
- ankommen (معنی جدیدی an رسیدن) یه فعل جداشدنی، چون پیشوند an بهش اضافه شده و معنی جدیدی (بهش داده)

یه نکته مهم: همه پیشوندها جداشدنی نیستن! بعضی پیشوندها مثل be- یا ge- به فعل می‌چسبن و جدا نمی‌شن (به اینا می‌گن افعال غیرجداشدنی). فعلاً تمرکزمون روی افعال جداشدنی.

پیشوندهای زیر معمولاً جداشدنی هستن 📌

پیشوند	تلفظ فارسی	معنی فارسی	مثال	معنی جمله
-ab	آب	جدا شدن، پایین رفتن	Der Zug fährt ab.	قطار حرکت می‌کند (حرکت خود را شروع می‌کند).
-an	آن	شروع، به سمت چیزی	Ich fange mit der Arbeit an.	من کار را شروع می‌کنم.
-auf	آوف	بالا، باز شدن، شروع	Ich mache die Tür auf.	من در را باز می‌کنم.
-aus	آوس	بیرون، تمام شدن، خاموش کردن	Ich mache das Licht aus.	من چراغ را خاموش می‌کنم.
-bei	بای	همراه، کمک	Kannst du mir beibringen?	می‌تونی به من یاد بدی؟
-ein	آین	داخل، شروع، روشن	Ich steige ins Auto ein.	من سوار ماشین

می‌شوم.				
با من می‌ای؟	Kommst du mit?	با، همراه	میت	-mit
من زیاد بهت فکر می‌کنم.	Ich denke oft an dich nach.	دنبال، بعد	ناخ	-nach
من غذا را آماده می‌کنم.	Ich bereite das Essen vor.	جلو، قبل، آماده	فُر	-vor
لطفاً برو کنارا!	Geh bitte weg!	دور شدن	وگ	-weg
من پنجره را می‌بندم.	Ich mache das Fenster zu.	بسته، به سمت چیزی	تسو	-zu
من فردا برمی‌گردم.	Ich komme morgen zurück.	بازگشت	تسوریک	-zurück
کی شروع می‌شه؟	Wann geht's los?	شروع، حرکت	لوس	-los
من شب‌ها تلویزیون تماشا می‌کنم.	Ich sehe abends fern.	دور، تلویزیون	فرن	-fern
لطفاً به خواندن ادامه بده.	Lies bitte weiter.	ادامه دادن	وایتر	-weiter
بیا این‌ور!	Komm rüber!	به آن طرف	روپیر	-rüber
من از پله بالا می‌روم.	Ich gehe die Treppe hoch.	بالا رفتن	هوخ	-hoch
بیا این‌طرف!	Komm her!	به این طرف (به سمت گوینده)	هر	-her
برو اون‌طرف!	Geh hin!	به آن طرف (دور از گوینده)	هین	-hin

افعال جدانشدنی و جدانشدنی در آلمانی چه فرقی دارن؟

افعال جدانشدنی تو آلمانی پیشوندشون (مثل an، aus، auf) تو جمله‌های ساده از فعل جدا می‌شه و معمولاً می‌ره آخر جمله. افعال جدانشدنی پیشوندشون (مثل ver، be، ge) همیشه به فعل چسبیده می‌مونه و جدا نمی‌شه. تفاوت اصلی تو جدا شدن یا نشدن پیشونده و اینکه جدانشدنی‌ها اغلب معنی مشخص‌تری دارن.

تفاوت افعال جدانشدنی و جدانشدنی رو با جدول زیر بهتر درک می‌کنی:

افعال جدانشدنی	افعال جدانشدنی	
----------------	----------------	--

جدا شدن پیشوند	تو جمله‌های ساده، پیشوند جدا می‌شه و معمولاً می‌ره آخر جمله.	پیشوند هیچ‌وقت جدا نمی‌شه و همیشه به فعل چسبیده‌ست.
مثال در جمله	Ich stehe früh auf. (صبح زود بیدار می‌شم).	Ich verstehe das Buch. (کتاب رو می‌فهمم).
با افعال کمکی	پیشوند به فعل می‌چسبه: Ich bin aufgestanden.	پیشوند همیشه چسبیده‌ست: Ich habe verstanden.
تلفظ	تو حالت جداشدنی، تأکید (Stress) معمولاً روی پیشونده (مثل ÁN-rufen).	تأکید روی فعل اصلیه (مثل ver-STÉHEN).
معنی	پیشوند معمولاً معنی مشخصی به فعل اضافه می‌کنه (مثل جهت یا حالت).	پیشوند اغلب معنی فعل رو کاملاً تغییر می‌ده یا انتزاعی‌تره.

قواعد استفاده از افعال جداشدنی

حالا بریم سراغ قواعد اصلی که باید یاد بگیری. اینا رو خوب بخون، چون خیلی به کارت میان:

1. تو جمله‌های ساده (حال یا گذشته):

در زمان حال (Präsens) و زمان ساده‌ی گذشته (Präteritum)، قسمت جداشدنی (یعنی پیشوند) از فعل جدا می‌شه و می‌ره آخر جمله.

مثال:

- Ich stehe früh auf. (من صبح زود بیدار می‌شم).
فعل: aufstehen (بیدار شدن) → stehe وسط جمله + auf آخر جمله.
- Ich rufe dich morgen an.
(من فردا بهت زنگ می‌زنم).
→ فعل: anrufen
- Er macht das Fenster zu.
(او پنجره را می‌بندد).
→ فعل: zumachen

2. تو جملات با افعال کمکی (مثل آینده یا کامل):

پیشوند به فعل می‌چسبه و کل فعل جداشدنی با هم به شکل مصدر (infinitive) میاد.
مثال:

○ Ich habe gestern angerufen. (من دیروز زنگ زدم).
اینجا angerufen به صورت کامل و بدون جدا شدن پیشوند اومده.
3. تو جملات فرعی (با کنژونکشن هایی مثل dass یا weil):
پیشوند به فعل می چسبه و کل فعل جداشدنی می ره آخر جمله فرعی.
مثال:

○ Ich weiß, dass er früh aufsteht. (می دونم که اون صبح زود بیدار می شه).
اینجا aufsteht به صورت کامل اومده.
4. تو حالت امری (Imperative):
پیشوند بازم جدا می شه و می ره آخر جمله.
مثال:
○ Steh auf! (بیدار شو!)
steh اول جمله + auf آخر جمله.

چند مثال واقعی برای یادگیری بهتر!

بیا چندتا جمله بسازیم که بهتر جا بیفته:

1. aufstehen (بیدار شدن):
 - Ich stehe um 7 Uhr auf. (من ساعت ۷ بیدار می شم).
 - Gestern bin ich spät aufgestanden. (دیروز دیر بیدار شدم).
2. ausgehen (بیرون رفتن):
 - Wir gehen heute Abend aus. (ما امشب می ریم بیرون).
 - Willst du mit uns ausgehen? (می خوای با ما بیای بیرون؟)
3. anrufen (تماس گرفتن):
 - Ich rufe dich später an. (بعداً بهت زنگ می زنم).
 - Er hat mich gestern angerufen. (اون دیروز به من زنگ زد).

این تمرین ها رو برای یادگیری بهتر افعال جداشدنی انجام بدید!

هدف این تمرین یادگیری جایگاه پیشوند جداشدنی در جمله هست. جملات ناقص زیر رو با قرار دادن پیشوند در جای درست کامل کنید.

مثال:

Ich ____ immer um 7 Uhr ____ aufstehen

پاسخ: Ich stehe immer um 7 Uhr auf

جملات برای تمرین:

Wir ____ morgen ins Kino ____ (ausgehen).

Sie ____ jeden Tag im Supermarkt ____ (einkaufen).

Er ____ das Buch morgen ____ (zurückgeben).

Ich ____ dich später ____ (anrufen).

یادتون باشه که در جملات خبری، پیشوند جداشدنی معمولاً در انتهای جمله قرار می‌گیره.

چطور افعال جداشدنی و گرامر آلمانی رو اصولی یاد بگیریم؟

اگر می‌خواید گرامر زبان آلمانی رو به صورت اصولی یاد بگیرید، کافیه توی کلاس های آلمانی موسسه زبان دهخدا شرکت کنید. هم به صورت آنلاین و هم حضوری می‌تونید دوره ببینید و استاد های کار بلد و با تجربه شما رو به سطح بالایی از زبان آلمانی می‌رسونن. صفحه زیر رو ببینید یا برای اطلاعات بیشتر یا مشاوره می‌تونید با شماره موسسه تماس بگیرید:

<https://dekhodaedu.com/%d8%af%d9%88%d8%b1%d9%87-%d8%a2%d9%85%d9%88%d8%b2%d8%b4-%d8%b2%d8%a8%d8%a7%d9%86-%d8%a2%d9%84%d9%85%d8%a7%d9%86%db%8c-%d8%a7%d8%b2-%d9%85%d8%a8%d8%aa%d8%af%db%8c-%d9%be%db%8c%d8%b4%d8%b1%d9%81%d8%aa/>

02191006191